

نقش جمهوری اسلامی ایران در نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی

نسرین مصفا*

جواد امین منصور**

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

Nmosaffa@ut.ac.ir

** کارشناس ارشد علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه سنت‌جونز نیویورک

Jaminmansour@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۰/۱۹

تاریخ دریافت: ۹۱/۹/۲۱

فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، سال اول، شماره اول، بهار ۱۳۹۲، صص ۴۸-۱۱

چکیده

با پیدایش ترتیبات فراملی و چندجانبه به‌عنوان ابزار مذاکره و همکاری‌های بین‌المللی، پرسش‌هایی در مورد چگونگی حضور و مشارکت در چنین ترتیباتی، نحوه ارتباط با آنها و میزان اثرگذاری نهادهای فراملی بر منافع ملی مطرح می‌شود. مقاله حاضر با مروری بر چارچوب‌های نظری مرتبط با این موضوع، به تحلیل نقش جمهوری اسلامی ایران در نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی و بررسی ضرورت برقراری ارتباط مطلوب و مؤثر با ترتیبات فراملی می‌پردازد. در این راستا، تجربه و گستره حضور و فعالیت‌های دولت جمهوری اسلامی ایران در این ترتیبات به سه دوره زمانی؛ از پیروزی انقلاب اسلامی تا ۱۳۶۷ (پایان جنگ عراق علیه ایران)، از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۳ و از سال ۱۳۸۴ تا به امروز تقسیم شده است. ویژگی‌های مشترک این سه دوره و همچنین تفاوت‌های آنها، یک تصویر کلی از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی در پرتو تحولات سیاسی در جهان ارائه می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نهادهای بین‌المللی، نهادهای منطقه‌ای، ترتیبات فراملی، سازمان ملل متحد

مقدمه

با گسترش ارتباطات بین جوامع و دولت‌ها در عرصه بین‌المللی و ضرورت انجام گفتگو برای افزایش درک متقابل و تعیین چارچوب‌های حقوقی برای روابط، به تدریج ترتیبات فراملی و چندجانبه به‌عنوان وسیله‌ای برای تسهیل مذاکره، همکاری و پیگیری توافقات در قالب نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی به‌عنوان کنشگران جدید شکل گرفتند. در این چارچوب، تعاملات سه‌جانبه بین دولت با دولت، دولت با ترتیبات فراملی و ترتیبات فراملی با یکدیگر، فصل جدیدی در روابط بین‌المللی گشود. گفتگوها، سیاست‌ها و عملکرد این نهادها و سازمان‌ها، موجب جلب توجه جامعه جهانی و باعث بروز واکنش‌هایی در جوامع گشته که از طرق مختلف به‌ویژه رسانه‌ها منعکس و از مناظر متفاوت مورد تحلیل قرار می‌گیرند. امروزه، اهمیت ترتیبات فراملی بر همگان آشکار است و بیش از هر زمان دیگر بر اهمیت تعامل با آنها برای حل مشکلات بشری تأکید می‌شود.

دیدگاه‌ها و واکنش‌های متفاوت در عرصه ملی و بین‌المللی پیرامون رابطه بین دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی موجب طرح پرسش‌هایی می‌شود؛ از جمله آنکه ارتباط دولت‌ها با نهادها چه دستاوردهایی دربردارد؟ حضور در نهادهای بین‌المللی تا چه حد به تأمین منافع ملی کمک می‌کند؟ آثار حضور و مشارکت در فرایندهای این‌گونه ترتیبات چیست؟ چگونه می‌توان به تقویت نهادهای فراملی کمک کرد؟ آیا ترتیبات فراملی مستقل از اراده و مواضع دولت‌ها هستند؟ جایگاه تصمیمات آنها چیست؟ آیا اصولاً برقراری ارتباط و عضویت در ترتیبات فراملی ضرورت دارد؟ و اگر بلی، چه شرایطی برای برقراری رابطه مطلوب و مؤثر با نهادها و سازمان‌های بین‌المللی مورد نیاز است؟ بدیهی است که در این مقاله، تحلیل نقش جمهوری اسلامی ایران در ترتیبات فراملی، به‌ویژه در سطح ملی مهم تلقی می‌شود و چگونگی آثار رابطه با آنها با عنایت به گستردگی موارد عضویت کشورمان اهمیت

می‌یابد.

نوشتار حاضر، که حاصل دانش و تجربه نظری و عملی نگارندگان و نتیجه سال‌ها مطالعه، مشارکت و تعامل آنان با نهادهای بین‌المللی است، در جستجوی پاسخ پرسش‌های بالا و تبیین نقش جمهوری اسلامی ایران در آنهاست. در این راستا این مقاله، ضمن بهره‌برداری از روش پژوهش توصیفی-تحلیلی، از دانش و تجارب عملی نگارندگان و نیز منابع کتابخانه‌ها و تارنماهای مرتبط استفاده شده است. از نظر محدوده زمانی نیز مقاله صرفاً به دوره زمانی بعد از وقوع انقلاب اسلامی ایران اختصاص دارد.

این مقاله در چهار بخش سازمان یافته است. پس از طرح مقدمه و زمینه‌جویی برای آشنایی اجمالی با کلیات موضوع، در سه بخش، نقش دولت جمهوری اسلامی ایران در دوره‌های مختلف زمانی شامل: دوران دفاع مقدس، پس از دفاع مقدس تا سال ۱۳۸۳، و از سال ۱۳۸۴ تا به امروز مورد تبیین و تحلیل قرار می‌گیرد. سپس در بخشی جداگانه، سایر عوامل مهم و مؤثر در ایفای نقش ایران در نهادهای بین‌المللی بررسی می‌شوند. بخش آخر نیز به نتیجه‌گیری اختصاص دارد.

۱. زمینه‌جویی

اگرچه نخستین نمونه‌های سازمان‌های بین‌المللی به‌وسیله دولت‌شهرهای یونان ساخته شد و ایده آن در نوشتارهای افرادی چون پیر دو بوا و امریک کروجی یافت می‌شود، نمونه معاصر آنان در قرن نوزدهم میلادی و پس از انقلاب فرانسه و جنگ‌های ناپلئونی در قالب دیدارهای منظم سران قدرت‌های اروپایی به‌منظور حفظ وضع موجود و امنیت دولت‌های خود از شورش‌های داخلی با عنوان «کنسرت اروپا» تشکیل گردید (Reinalda, 2009). امروزه، دولت‌های کوچک و بزرگ برای یافتن شیوه‌های همکاری در زمینه‌های مورد علاقه مشترک، ایجاد تفاهم و یا رفع اختلافات احتمالی، و پرهیز از مناقشات و مخاصمات به مذاکره و همکاری روی آورده‌اند. تشدید وابستگی میان کشورها در پی گسترش تجارت و ارتباطات و افزایش مسائلی که بر سرنوشت مشترک بشری اثر می‌گذارند، روند مذاکره و همکاری‌های بین‌المللی را با رشد چشمگیری همراه کرده است (Slaughter, 2004).

این مذاکرات و همکاری‌ها، گاه به رفع تخصصات، انعقاد موافقت‌نامه‌ها و اسناد مختلف منجر شده است و در برخی موارد نتیجه ملموسی در پی نداشته است. اما در شرایط حداقلی، اینگونه مذاکرات به تبیین دقیق زمینه‌های اختلاف و یا پرهیز از تشدید منازعات منتهی شده است.

آنچه که امروزه در قالب واژه‌هایی مانند نهادهای بین‌المللی، سازمان‌های بین‌المللی، ترتیبات بین‌المللی یا منطقه‌ای از آنها یاد می‌شود، حاصل سال‌ها تلاش و در حقیقت تمدن بشری است که در حال حاضر محلی برای طرح مشکلات و چالش‌های فراروی بشری از جانب دولت‌ها و ملت‌ها و محملی برای حل آنها هستند. این ترتیبات با تلاش مشترک از طریق گفتگو و مذاکره در پی یافتن راه‌حل‌ها و تحقق عملی تصمیمات هستند. البته طبیعی است که فعالیت‌ها و دستاوردها را می‌بایست در چارچوب فضای سیاسی و اقتصادی بین‌المللی تحلیل کرد (Keohane, 1984). فضایی که مبتنی بر نفع همگانی ناشی از همکاری، بر اساس روابط میان کنشگران مختلف در بستر پیشینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و تاریخی شکل می‌گیرد (مصفا، ۱۳۹۱؛ Angell, 1965).

از این رو، می‌توان به نهادهای بین‌المللی از سه منظر نگرست: الف) ابزاری برای دستیابی به اهداف فردی و جمعی دولت‌های عضو؛ ب) کنشگری در عرصه سیاست بین‌الملل که اقداماتش برخاسته از اراده دولت‌های عضو است؛ و ج) عرصه‌ای برای نقش‌آفرینی دولت‌ها و مذاکره و تعامل با یکدیگر به منظور تأمین منافع و علایق (Archer, 2001).

از منظر اول، نهادهای فراملی ابزاری هستند که فرایندهای سیاسی اولیه در آنها درحقیقت نتیجه تلاش‌های دولت‌های بنیان‌گذار بوده و به تدریج از طریق عضویت دولت‌های علاقه‌مند و با تعقیب سیاست‌هایی به تأمین منافع ملی خود و اعضا می‌پردازند.

از منظر دوم، محیط سیاست بین‌المللی زمینه کنش میان دولت‌ها تلقی می‌گردد و از نهادها و ترتیبات فراملی به‌عنوان زمینه دائمی برای دیپلماسی چندجانبه استفاده می‌شود. دولت‌ها به‌عنوان کنشگران اصلی در آن چارچوب به مبادله اطلاعات، انجام هماهنگی و سیاستگذاری درخصوص موضوعات مندرج در دستورکار جلسات

می‌پردازند. سیاست‌های زیست‌محیطی بین‌المللی نمونه‌هایی از این منظر هستند (امین‌منصور، ۱۳۹۰).

از منظر سوم، دولت‌ها بخشی از حاکمیت و اختیارات خود را با ایجاد نهادهای فراملی به آنها واگذار کرده و بدین وسیله کنشگران جدیدی در صحنه روابط بین‌المللی به وجود می‌آورند (Slaughter, 2004). بدیهی است اگر ارتباط فراملی بین دولت‌ها وجود نداشت، چنین تصمیمات جمعی نیز گرفته نمی‌شد. شورای امنیت سازمان ملل متحد و تصمیمات آن را می‌توان از این منظر نگریست.

قبل از بررسی نحوه مشارکت دولت ج. ا. ایران، ارائه توضیحاتی درخصوص برداشت نگارندگان مقاله از سه واژه: «نقش»، «کشور» و «نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی» و نیز شاخص‌های مورد نظر ضروری است.

منظور از «نقش»، چگونگی ارتباط مراجع داخلی با نهادهای فراملی می‌باشد که در آن چارچوب، حضور کمی و کیفی نمایندگان در گردهمایی‌ها و جلسات، ایراد سخن در زمینه سیاست‌ها و اقدامات ملی، شرح مواضع در قبال مسائل مشترک مورد علاقه بشری، چالش‌های گوناگون منطقه‌ای و بین‌المللی، شرکت در مذاکرات چندجانبه، مشارکت در برنامه‌های آموزشی و پژوهشی، معرفی یک نفر نامزد یا نامزدی دولت برای رقابت در انتخابات به‌منظور احراز یک کرسی در مراجع تصمیم‌گیری و اشتغال به کار اتباع کشور در دبیرخانه‌های نهادهای فراملی می‌گنجد. این نقش معمولاً در سطوح مختلف از کارشناسی تا عالی‌ترین مقام اداری، متناسب با مفاد اساسنامه و سایر مقررات نهاد فراملی و رویه‌های موجود در سازوکارهای متعدد منطقه‌ای و بین‌المللی ایفا می‌شود.

درخصوص دومین واژه؛ یعنی «کشور»، باید توضیح داد که در حال حاضر تنها «دولت»ها نیستند که در ترتیبات فراملی ایفای نقش می‌کنند. به تدریج و به‌خصوص طی دهه‌های گذشته، مشارکت برخی بازیگران دیگر نظیر نمایندگان تشکل‌های مردم‌نهاد، دانشگاهیان و بخش خصوصی به‌نحو چشمگیری افزایش یافته و آنها در روند برگزاری و نتایج حاصل از گفتگوها و مذاکرات در گردهمایی‌های گوناگون به‌نحو قابل توجهی حضور پیدا کرده‌اند. به‌عنوان مثال، در اواخر خردادماه سال جاری، حدود پنجاه هزار نفر در کنفرانس توسعه پایدار ملل متحد، موسوم به «ریو



به‌علاوه ۲۰» (۱) در شهر ریودوژانیرو شرکت کردند که حدود دوسوم آنان را نمایندگان غیردولتی شامل تشکل‌های مردم‌نهاد، دانشگاهی و بخش خصوصی تشکیل می‌دادند. آنها به‌موازات کنفرانس، با برگزاری جلسات متعددی، ابعاد گوناگون توسعه اجتماعی، توسعه اقتصادی و زیست‌محیطی، توسعه پایدار و همچنین آخرین تحولات و پیشرفت‌ها در این ترتیبات را بررسی کرده و در نهایت تصمیماتی اتخاذ کردند که در تصمیمات کنفرانس سران، اثرگذار بوده است.

در مورد «نهادهای فراملی»^۱ مورد اشاره در این مقاله نیز باید توضیح داد که منظور، مجموعه نهادها، سازمان‌ها، مجامع و رژیم‌های حقوقی هستند که در چارچوب آنها، گردهمایی‌هایی با هدف تبادل نظر، گفتگو، مذاکره و احياناً تصمیم‌گیری در مورد موضوعی خاص با حضور نمایندگان کشورهای عضو یا علاقه‌مند تشکیل می‌شوند. این ترتیبات در برخی موارد دولتی، و در برخی دیگر غیردولتی و با حضور دانشگاهیان یا نمایندگان تشکل‌های مردم‌نهاد، یا به‌طور مشترک برگزار می‌شوند. مباحث نشست‌ها و گردهمایی‌های فراملی هم از آن نظر شایان توجه‌اند که علاوه بر تبادل دانش و تجربیات، مواضع و راه‌حل‌های پیشنهادی، نتایج و عمل به آنها در چگونگی حل و فصل بسیاری از چالش‌های پیش روی انسان‌ها در بخش‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی، فرهنگی و غیره مؤثرند. (مصفا، ۱۳۹۰) آنها شکل‌دهنده تدریجی حقوق بین‌الملل بوده و بنابراین حساسیت ویژه‌ای را می‌طلبند.

حضور و فعالیت نمایندگان دولت‌ها در نهادهای بین‌المللی، متناسب با توان اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و نظامی‌شان، و همچنین قدرت بیان و استدلال آنها در مذاکرات، بر روند تصمیم‌گیری و نوع اقدامات مراجع فراملی اثرگذار است (Nye, 2011). از سوی دیگر و به‌طور متقابل، تصمیمات نهادها و ترتیبات فراملی نیز بر روند تصمیم‌گیری در داخل کشورها مؤثر هستند. بدین ترتیب می‌توان اذعان کرد که تصمیم‌گیران و مذاکره‌کنندگان در عرصه سیاست خارجی، تحت تأثیر فشارهای درونی و بیرونی تصمیم‌های اجتماعی، اقتصادی و دیپلماتیک قرار می‌گیرند که شدت و ضعف آنها در شرایط و مقتضیات گوناگون، متفاوت است. واکنش فعالان

و تصمیم‌گیران عرصه روابط خارجی در مقابل عوامل و امتیازها و محدودیت‌های یادشده، تابع توانایی‌ها، شناخت و مهارت‌های نظام تصمیم‌گیری است. هر یک از سازمان‌های بین‌المللی، ترتیبات منطقه‌ای و گروه‌های بین‌دولتی پرتعداد برای پیشبرد منافع و مواضع مشترک اعضای خود تلاش می‌کنند. این نهادها و گروه‌ها متناسب با نیازها و شرایط ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، طی فرایندی تدریجی دچار تحول و تکامل می‌شوند (Finnemore and Barner, 1999). هر یک از آنان، سازوکارهای متفاوتی دارند که با اجماع نظر نمایندگان دولت‌های عضو ایجاد شده‌اند. سازوکارهای یادشده در کنار فرایندهای معمول دیپلماسی مانند مذاکرات چندجانبه، دو رکن اساسی فعالیت این‌گونه نهادها هستند که هرکدام معمولاً دبیرخانه‌ای متشکل از اتباع کشورهای مختلف، به‌منظور پیگیری و اجرای تصمیمات دارند. البته برخی گروه‌ها مانند جنبش عدم تعهد با نداشتن دبیرخانه و اساسنامه، زمینه انعطاف بیشتر خود و تسریع فرایندهای درگیر تعاملات میان اعضا را فراهم آورده‌اند.

هر حکومتی برای تأمین منافع ملی خود و ایفای نقش در جامعه جهانی به حضور در نهادهای فراملی نیاز دارد (Nye, 2011). جمهوری اسلامی ایران نیز با عنایت به موقعیت جغرافیایی، گفتمان و منافع ملی خود در این ترتیبات حضور داشته و دارد که چگونگی این حضور در پرتو پرسش اصلی مقاله در بخش بعدی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲. نقش جمهوری اسلامی ایران در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای

با نگاهی به نحوه حضور و مشارکت ج. ا. ایران در دوران پس از وقوع انقلاب اسلامی در مجامع و نهادهای بین‌المللی تاکنون، می‌توان این نقش را بر مبنای ویژگی‌های هر دوره، فرایند و چگونگی این روند و چرایی آن، مورد بررسی قرار داد. در این رابطه باید متذکر شد که رابطه بین دولت‌ها و نهادهای فراملی معمولاً به سه صورت عضو، ناظر، و نه عضو و نه ناظر (ناشی از عدم تمایل دولت، مساعد نبودن شرایط عضویت یا عدم پذیرش توسط نهاد) تعریف شده است.

در این بررسی، تلاش می‌شود شاخص‌هایی همچون دیدگاه‌های دولتمردان،

نحوه مشارکت هیأت‌های اعزامی به نشست‌ها در خارج کشور، چگونگی درخواست‌ها و میزان موفقیت در احراز مناصب منطقه‌ای و بین‌المللی، عضویت در هیأت رئیسه مجامع فراملی، برگزاری همایش‌ها، میزبانی دبیرخانه نهادهای منطقه‌ای در کشور، اشتغال به کار اتباع ایرانی در دبیرخانه نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی، میزان مشارکت بانوان در هیأت‌های اعزامی و فعالیت‌های فراملی تشکل‌های مردم‌نهاد و بخش خصوصی مورد اشاره قرار گیرند.

در این راستا نقش ایران در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی در دوران پس از انقلاب اسلامی؛ به سه دوره زمانی: اوایل انقلاب تا ۱۳۶۷ یعنی سال پایان جنگ عراق علیه ایران (۲)، از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۳، و از سال ۱۳۸۴ تاکنون تقسیم شده است. علت این تقسیم‌بندی آن است که سیاست‌ها و نقش کشور در قبال ترتیبات فراملی چندجانبه در آن دوره‌های زمانی، باوجود حفظ بعضی اصول نظیر مفاد ماده ۱۵۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دچار تغییرات قابل توجهی بوده‌اند. همچنین تلاش می‌شود که نقش دولت‌های وقت در ترتیبات منطقه‌ای و بین‌المللی به‌طور جداگانه (۳) بررسی شود.

۲-۱. دوره اول (از ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷)

در این دوره نقش ایران در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی به‌طور قابل توجهی تحت تأثیر چهار عامل: «شعارهای خاص دوره وقوع دگرگونی سیاسی»، «فضای سیاسی بعد از انقلاب اسلامی»، «روند شکل‌گیری نظام جدید سیاسی» و «جنگ عراق با ایران» بوده است. در آن زمان، اولویت با تغییر نظام سیاسی، تدوین قانون اساسی جدید، و در آن چارچوب، بازسازی یا شکل‌گیری نهادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و همزمان دفع تجاوز نظامی عراق بود. دولت و مردم در آن دوره با سپری کردن وقایع پرهیجان و خونبار انقلاب، نسبت به بسیاری از دولت‌های خارجی بدبین بودند. آنها با شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» و «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» در سیاست‌های داخلی و خارجی، به‌دنبال راه جدیدی در عرصه روابط خارجی بودند که با نفی سلطه، سیاست‌ها و عملکرد قدرت‌های کمونیستی شرق و سرمایه‌داری غرب از یک‌سو، و پیش‌گرفتن راه و مواضعی همراه با عدم وابستگی، خودکفایی و استقلال‌طلبی

از سوی دیگر، همراه باشد.

در این چارچوب، مشروعیت و مقبولیت بسیاری از سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی زیر سؤال رفت. این نحوه نگرش، به‌علاوه ضعف‌های مالی و اقتصادی ناشی از درگیر شدن در یک جنگ تحمیلی (عراق علیه ایران) باعث شد که مشارکت دولت به‌طور کلی در مجامع منطقه‌ای و بین‌المللی تضعیف گردد. به‌دلیل شرایط خاص سیاسی و حساسیت‌های دوران بعد از انقلاب، سخنرانی‌های مقامات کشور در نشست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ناشی از مواضع انقلابی و برای دیگران غیرمعمول بود؛ به‌گونه‌ای که کنجکاوی بسیاری را برمی‌انگیخت. دولت‌ها در این دوره، به پذیرش تعهدات جدید در قبال نهادها و ابزارهای حقوقی بین‌المللی راغب نبودند و با نگاه تردیدآمیز نسبت به آنها، از خود حساسیت و دقت بسیار زیادی نشان می‌دادند. وجود بدبینی، مشغله‌های خاص داخلی بعد از انقلاب و نیز درگیر بودن در جنگ باعث شد که مشارکت فعالانه در انتخابات، چه به‌صورت معرفی نامزد یا حمایت از نامزدی سایر دولت‌ها در نهادهای بین‌المللی برای تعیین اعضای هیات رئیسه مجامع یا ریاست نهادهای فراملی در دستور کار دولت نباشد.

۱-۲. ترتیبات جهانی

چنانچه اشاره شد، در این دوره به‌دلیل غلبه دیدگاه‌های انقلابی در کشور، مشروعیت و مقبولیت بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی، به‌ویژه نهادهای فعال سیاسی و امنیتی مانند شورای امنیت سازمان ملل متحد، مورد سؤال قرار گرفت و با واکنش غیر مطلوب نهادها و ترتیبات چندجانبه فراملی نسبت به جنگ عراق با ایران و نیز شروع صدور قطعنامه‌های کمیسیون حقوق بشر در خصوص وضعیت حقوق بشر در ایران، تشدید شد. از سوی دیگر، واقعه ۴۴۴ روزه گروگانگیری کارکنان سفارت آمریکا در ایران نیز آثار خود را بر وجهه بین‌المللی کشور داشت. با وجود عضویت دیرینه و داشتن سهم قابل توجهی در منابع مالی مؤسسات برتون وودز ۱ مستقر در واشنگتن شامل بانک جهانی ۲ و صندوق بین‌المللی پول ۳، به‌دلیل مخالفت با برنامه‌ها و توصیه‌های این دو

1. Bretton Woods Institutions
2. World Bank(WB)
3. International Monetary Fund (IMF)

مؤسسه مالی بین‌المللی نشأت گرفته از نظام سرمایه‌داری، نه تنها وام و تسهیلاتی گرفته نشد، بلکه بر عدم نیاز به کمک‌های مالی و رهنمودهای آنان نیز، تأکید شد. حضور در نشست‌های عادی مجمع عمومی سازمان ملل متحد و نیز سازمان‌های تخصصی بین‌المللی مانند سازمان بین‌المللی کار، اتحادیه بین‌المللی ارتباطات، سازمان بهداشت جهانی و غیره به علت حاکمیت دیدگاه‌های جدید و بروز مشکلات اقتصادی کم‌رنگ بود؛ تاجایی که حتی پرداخت سهمیه‌های اجباری عضویت در نهادهای بین‌المللی نیز دچار اختلال شد.

البته بی‌توجهی و انتقادات فراوان و مستمر دولت ایران به نهادهای فراگیر جهانی، مانع از آن نشد که آنها هم متقابلاً نسبت به ایران بی‌تفاوت باشند. یک نمونه مهم، واقعه جنگ عراق علیه ایران بود که همواره توسط اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد، به عنوان نهاد مسئول اولیه برقراری صلح و امنیت بین‌المللی (۴)، پیگیری می‌شد و هر بار که قطعنامه‌ای حاوی مواضع شورا در قبال جنگ صادر می‌کرد (۵)، مسئولیت‌های دو طرف را متذکر می‌شد و وظایفی تعیین می‌کرد. تصمیمات شورای امنیت و اثرات آن بر نحوه پایان یافتن جنگ، نشان‌دهنده تأثیرات تصمیم‌های یک نهاد بین‌المللی بر یک رویداد مهم در عرصه روابط خارجی کشور در دهه اول پس از انقلاب است. موافقت رسمی دو طرف با مفاد قطعنامه شماره ۵۹۸ در سال ۱۳۶۷، منجر به تصویب قطعنامه شماره ۶۱۹ شورا و استقرار نیروهای ناظر نظامی بین‌المللی موسوم به «یونیمگ»^۱ در نقاط مرزی بین دو کشور شد (مصفا و دیگران، ۱۳۶۷). پایان دوران جنگ و بهره‌برداری از تجربیات ناشی از سیاست‌های دوران بعد از انقلاب، باعث احیای وضعیت اقتصادی در کشور و بروز برخی تغییرات در سیاست‌ها در عرصه‌های داخلی و خارجی شد که در دوره دوم به آن می‌پردازیم.

۲-۱-۲. ترتیبات منطقه‌ای

در راستای سیاست خارجی جدید در دوره اول، ج. ا. ایران با علاقه فراوان به «عضویت جنبش عدم تعهد»^۲ درآمد و در مقایسه با نهادها و مجامع بین‌المللی

1. United Nations Iran-Iraq Military Observer Group (UNIMOG)
2. Non-Aligned Movement

جهان‌شمول، حضوری پررنگ‌تر در نشست‌های سیاسی سازوکارهای خاص کشورهای در حال توسعه مانند جنبش یادشده و سازمان کنفرانس اسلامی داشت. (۶) در سال ۱۳۶۴ سازمان همکاری اقتصادی موسوم به «اگو»^۱ با حمایت دولت ج. ا. ایران، شکل گرفت و دبیرخانه آن در تهران مستقر شد. (۷) این واقعیت، نشان‌دهنده چگونگی سیاست خارجی کشور در این دوره و اهمیت نسبی تشکل‌های منطقه‌ای و همکاری دسته‌جمعی، به‌ویژه با کشورهای همسایه، برای تحقق اهداف مورد نظر در سیاست خارجی کشور، با وجود شرایط دشوار سیاسی و جنگ با عراق بوده است. مشارکت دولت ایران در سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) به دلیل اهمیت دادن به نهادهای منطقه‌ای، برخورداری از ظرفیت بالای تولید نفت و نیز اتکای اقتصاد کشور به درآمدهای نفتی فعال بود. با این وجود موفقیت هیأت‌های اعزامی نمی‌توانست از شرایط خاص سیاسی ناشی از حمایت تولیدکنندگان بزرگ نفت عضو اوپک مانند عربستان، کویت و امارات از عراق در جنگ و نیز مشکلات مالی آن دوره به‌دور باشد.

۳-۲. دیگر ویژگی‌ها

برای بررسی این دوره نمی‌توان از توجه به برخی ویژگی‌های دیگر غافل شد. با وجود حضور گسترده زنان در فرایند انقلاب و تشکیل نظام جمهوری اسلامی، به دلیل برداشت‌های جدید از نقش زن در جامعه و خانواده و فقدان نگرش همه‌جانبه، و نیز وجود ابهام در نقش مثبتی که این قشر از جامعه می‌تواند در سیاست خارجی ایفا نماید، مشارکت زنان در هیأت‌های اعزامی به نهادهای فراملی ناچیز بود؛ به‌نوعی که می‌توان گفت ترکیب هیأت‌ها عموماً مردانه بود.

همچنین در این دوره، نهادهای غیردولتی جدید کمی شکل گرفته که آنها هم دغدغه‌های داخلی داشتند. با پیوستن برخی کارمندان دوران قبل از انقلاب نهادهای داخلی و اساتید دانشگاه به سازمان‌های بین‌المللی، تعداد کارکنان ایرانی دبیرخانه‌ها افزایش یافت، ولی این علاقه و گرایش در کارکنان و مدیران جدید نهادهای داخلی وجود نداشت. دولت نیز به دلیل وجود اولویت‌های دیگر، در این زمینه برنامه‌ای

1. Economic Cooperation Organization (ECO)

نداشته و به موضوع معرفی نیروی انسانی به منظور اثرگذاری بر دبیرخانه‌ها بی‌توجه بود.

به‌طور کلی می‌توان گفت که حضور و فعالیت جمهوری اسلامی ایران در سازمان‌های بین‌المللی و ترتیبات منطقه‌ای از ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷ تحت تأثیر ویژگی‌های استقرار نظام سیاسی جدید، مشکلات داخلی، جنگ و برخی از مؤلفه‌های گفتمانی قرار داشت. ویژگی‌های گفتمانی جمهوری اسلامی ایران و علاقه مسئولان به بسط آن، در کنار دفاع مقدس، فعالیت در این نهادها را به یک ضرورت اولیه تبدیل کرده بود. در رابطه با دفاع مقدس، علاوه بر تحرکات دیپلماتیک و حقوقی جمهوری اسلامی ایران، برخی از نهادها و ترتیبات مانند جنبش عدم تعهد، به محلی برای رایزنی جهت پایان دادن به جنگ تحمیلی تبدیل شده بودند. در نهایت، این سازمان ملل متحد بود که با وجود رضایتبخش نبودن مواضعش در طول جنگ، به‌عنوان عرصه‌ای برای مذاکره میان ایران و رژیم بعث عراق ظاهر شد که در نهایت به صدور قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت و برقراری آتش‌بس بین دو کشور منتهی شد.

۲-۲. دوره دوم (از ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۳)

با پایان جنگ، تغییر نسبی شرایط سیاسی و شروع تلاش برای بازسازی کشور، در نگرش و سیاست‌های دولت نسبت به دنیای خارج و نحوه سیاستگذاری و اجرا در داخل کشور، تحولاتی به‌وجود آمد. دولت جدید بر این باور بود که مذاکرات و تصمیمات سازوکارهای چندجانبه فراملی، کم‌وبیش بر شکل‌گیری و گسترش اصول حقوق بین‌الملل مؤثرند و حتی بر سیاستگذاری دولت‌ها در عرصه داخلی نیز اثرگذار می‌باشند. بدین ترتیب دولت‌های پنجم، ششم، هفتم و هشتم مورد بحث در این دوره زمانی، اهمیت بیشتری برای فعالیت در ترتیبات منطقه‌ای و بین‌المللی قائل شدند. هدف از اتخاذ سیاست‌های جدید آن بود که ضمن گسترش مشارکت در اعلام مواضع و تبادل نظر، با سایر طرف‌های شرکت‌کننده، بر روند تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی اثرگذاری بیشتری داشته باشد و دست‌کم از اتخاذ تصمیماتی که ممکن است با منافع ملی و ارزش‌های اسلامی مغایرت داشته باشد، جلوگیری کند. در این چارچوب و با عنایت به خاتمه جنگ و بهبود نسبی وضعیت اقتصادی، دولت به



تقویت نیروی انسانی، به‌کارگیری مقادیر بیشتری از منابع مالی و امکانات و نیز افزایش تعداد سفارتخانه‌ها و تقویت نمایندگی‌های سیاسی در نزد سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی پرداخت. با توجه به این روند، نقش دولت در نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی در دو سطح زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۲-۲. ترتیبات جهانی

افزایش تدریجی تعداد هیأت‌های رسمی اعزامی برای شرکت در مجامع بین‌المللی، اعلام درخواست و اقدام برای عضویت‌ها یا تعهدات جدید در سازمان‌های فراملی از ویژگی‌های دولت‌های وقت در دوره دوم بود. این‌درحالی بود که تأکید بر ضرورت تجدید ساختار در سازوکارهای جهانی نظیر سازمان ملل متحد، به‌ویژه شورای امنیت و مؤسسات برتون وودز با عنایت به شرایط و نیازهای جدید بین‌المللی ادامه داشت. در این راستا می‌توان به امضا و پیوستن دولت به کنوانسیون تغییرات آب و هوا^۱، کنوانسیون تنوع زیستی^۲، کنوانسیون مقابله با بیابان‌زایی^۳، پروتکل مونترال درخصوص حفاظت از لایه ازن^۴، کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی^۵، کنوانسیون سلاح‌های میکروبی^۶، کنوانسیون حقوق کودک^۷ و کنوانسیون بدترین اشکال کار کودک اشاره کرد.^(۸)

دولت ایران در سال ۱۳۷۴ برای عضویت در سازمان جهانی تجارت^۸ ابراز تمایل کرد و در سال ۱۳۷۵ یک درخواست‌نامه رسمی در این زمینه به دبیرخانه سازمان ارائه داد.^(۹) این ابراز تمایل که پس از انجام مطالعات بسیار توسط برخی محققان و کارشناسان دستگاه‌های اجرایی کشور صورت گرفت، مسلماً به وجود پیش‌شرط اصلاح قوانین مالی و تجاری داخلی و ضرورت انعقاد قراردادهای تجاری مقتضی با اعضای علاقه‌مند سازمان در طول دوران معمولاً طولانی مذاکرات

1. United Nations Framework Convention on Climate Change
2. United Nations Convention on Biological Diversity
3. United Nations Convention to Combat Desertification
4. Montreal Protocol to Protect the Ozone Layer
5. Convention on Chemical Weapons
6. Convention on Biological Weapons
7. Convention on the Rights of the Child
8. World Trade Organization(WTO)



الحاق توجه داشت. اتخاذ تصمیم مبنی بر پیوستن به سازمان جهانی تجارت، نشان‌دهنده عزم سیاسی دولت به افزایش همکاری با جامعه بین‌المللی در زمینه‌های اقتصادی و ادغام تجارت کشور در فعالیت‌های تجاری بین‌المللی بود. سرانجام در سال ۱۳۸۴ (۲۰۰۵)، دولت ایران توانست در سایه کاهش تنش در روابط سیاسی با غرب، وضعیت ناظر را در سازمان جهانی تجارت احراز کند که خود قدمی به جلو بود. در این دوره همچنین، با برشمردن نیاز به بهره‌برداری و استفاده از منابع مالی موجود در جهان برای بازسازی و توسعه کشور، به‌ویژه برای طرح‌های ارزآور، گرفتن وام از بانک جهانی و سایر مؤسسات مالی بین‌المللی مجاز و آغاز شد.

در این دوره زمانی، دفاتر نمایندگی دائم ایران نزد سازمان ملل متحد در نیویورک و ژنو با اعزام کارشناسان جدید از مرکز تقویت شدند و دفتر نمایندگی دائم ایران نزد دفتر اروپایی سازمان ملل متحد در وین افتتاح شد.

در دوره دوم، ابتکار «گفتگوی تمدن‌ها»^۱ از سوی دولت وقت ایران اعلام شد که با استقبال سایر اعضای سازمان ملل متحد مواجه شد. در واکنش به آن و بنا بر تصمیم مجمع عمومی سازمان، سال ۲۰۰۱ (۱۳۸۰) سال بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها اعلام شد (UN Document: A/RES/53/22, 2001). در این راستا، قطعنامه‌های دیگری توسط مجمع عمومی سازمان تصویب و نشست‌های متعددی برای بررسی ابعاد مختلف موضوع در گوشه و کنار جهان برگزار شد.^(۱۰)

دولت در این دوره نسبت به معرفی نامزدی خود یا معرفی اتباع کشور به‌عنوان نامزد برای عضویت در هیأت‌رئیس‌های سازوکارهای تصمیم‌گیر منطقه‌ای و بین‌المللی و تصدی ریاست دبیرخانه‌های نهادهای فراملی اعلام علاقه و آمادگی کرد که در برخی موارد در رقابت با سایر دولت‌های علاقه‌مند، موفق بود. در این راستا می‌توان از احراز پست‌های ریاست شورای جهانی غذا^۲ در سال‌های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ (۱۳۷۱ و ۱۳۷۲) (۱۱)، ریاست کمیته ششم حقوقی مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۲ (۱۳۷۱)، ریاست بخشی از کنفرانس خلع سلاح^۳ در سال

1. Dialogue among Civilizations
2. World Food Council(WFC)
3. Conference on Disarmament(CD)

۱۹۹۴(۱۳۷۳)، ریاست کمیته دوم(اقتصادی- مالی) مجمع عمومی سازمان ملل متحد^۱ در سال ۱۹۹۸(۱۳۷۷)، ریاست پنجاه و یکمین کمیته اجرایی کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد^۲ در سال ۲۰۰۰(۱۳۷۹)، ریاست یازدهمین نشست طرف‌های کنوانسیون تجارت بین‌المللی گونه‌های گیاهی و جانوری در معرض انقراض^۳ در سال ۲۰۰۰(۱۳۷۹)، عضویت در کمیسیون حقوق بین‌الملل^۴ از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶ (۱۳۷۹ تا ۱۳۸۵) و ریاست کمیسیون در سال ۲۰۰۵(۱۳۸۴)، ریاست سی و یکمین کنفرانس عمومی یونسکو^۵ از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳(۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲)، عضویت در هیأت رئیسه‌های کنوانسیون رامسر در خصوص تالاب‌ها^۶ از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴(۱۳۸۱ تا ۱۳۸۳) و چهاردهمین اجلاس کمیسیون توسعه پایدار^۷ در سال ۲۰۰۶(۱۳۸۵) نام برد. البته برای عضویت غیردائم در شورای امنیت سازمان ملل متحد هم در این دوره تلاش شد که به جایی نرسید.

در دوره دوم همچنین حضور نمایندگان مجلس شورای اسلامی در گردهمایی‌های اتحادیه بین‌المجالس^۸ که برای بررسی مسائل مبتلابه کشورها و به منظور افزایش نقش مجالس قانونگذاری جهان در مقابله با چالش‌های جهانی تشکیل می‌شد، وسیع‌تر و جدی‌تر شد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که دولت‌های وقت ج. ا. ایران در این دوره، همسویی بیشتری با غالب دولت‌های دیگر در مجامع منطقه‌ای و بین‌المللی در زمینه‌های حقوق بین‌الملل محیط زیست، توسعه پایدار، مالی و اقتصادی، تجاری، فرهنگی و علمی، بهداشت، مواد مخدر، آوارگان، بلایای طبیعی و امور بشردوستانه، پست و ارتباطات و برخی مسائل سیاسی داشتند. از سوی دیگر، همزمان با شرکت فعالانه در رابطه با

1. Second Committee of the United Nations General Assembly
2. United Nations High Commissioner for Refugees (UNHCR)
3. Conference of the Parties to the Convention on International Trade in Endangered Species of Wild Fauna and Flora (CITES)
4. International Law Commission
5. UNESCO General Conference
6. Ramsar Convention on Wetlands
7. United Nations Commission on Sustainable Development (UNCSD)
8. Inter-Parliamentary Union (IPU)

موضوعات مهمی چون خلع سلاح، هسته‌ای، حقوق بشر، تروریسم، مالکیت معنوی و برخی مسائل سیاسی اختلاف نظرهایی با جریان‌های غالب داشتند.

همچنین نباید از نظر دور داشت که در این دوره زمانی، دریافت قطعنامه‌های کشوری متعدد از کمیسیون حقوق بشر همچنان ادامه یافت (۱۲) و پرونده هسته‌ای ایران در آژانس بین‌المللی اتمی^۱ مطرح شد. این دو واقعه تقریباً مستمر، بیانگر مواضع کلی دو نهاد بین‌المللی یادشده در قبال برخی تحولات داخلی در ایران بود که اشاره به جزئیات آنها در گستره موضوعی این مقاله نیست.

۲-۲-۲. ترتیبات منطقه‌ای

این دوره شاهد افزایش تعداد هیأت‌های رسمی اعزامی برای شرکت در نهادهای منطقه‌ای، اعلام درخواست عضویت و اقدام در این زمینه همراه با تعهدات جدید در سازمان‌های فراملی منطقه‌ای بود. از دیگر ویژگی‌های این دوره، اعلام درخواست و حمایت از گشایش دفاتر کشوری و منطقه‌ای سازوکارهای بین‌المللی در ایران مانند دفاتر منطقه‌ای کنوانسیون بازل در خصوص حمل فرامرزی و دفن مواد خطرناک، کنوانسیون رامسر در خصوص تالاب‌ها، دفتر منطقه‌ای مدیریت آب شهری (وابسته به یونسکو) و نیز گسترش اکو در سال ۱۳۷۱ بود.

در این دوره غالب موضع‌گیری‌ها در چارچوب مواضع جنبش عدم تعهد، گروه ۷۷، و سازمان کنفرانس اسلامی (سازمان همکاری اسلامی فعلی) صورت می‌گرفت و همزمان سعی می‌شد همانند هر دولت دیگری بر تصمیمات ترتیبات یادشده، اثرگذار باشد. در این راستا، می‌توان به ریاست دولت وقت ایران در سال ۲۰۰۱ (۱۳۸۰) بر گروه ۷۷ در نیویورک اشاره کرد. هیأت‌های ایرانی علاوه بر هدایت جلسات متعدد «گروه ۷۷ و چین»^۲ به‌منظور هماهنگی و اتخاذ مواضع مشترک پیرامون مسائل اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی، تجاری بین‌المللی و نیز اداری - مالی سازمان ملل متحد، مسئولیت مذاکرات با دولت‌های دیگر از جمله اتحادیه اروپا را به‌عهده داشتند و نشان دادند که می‌توان با تلاش و منطق، دولت‌های درحال توسعه را هماهنگ‌تر کرد و از مجامع بین‌المللی در جهت تأمین

1. International Atomic Energy Agency (IAEA)
 2. Group of 77 and China



منافع مشترک و تحقق آمال و اهداف آنان بهره‌برداری کرد.

نمونه دیگر، ریاست سه‌ساله ایران بر سازمان کنفرانس اسلامی در سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۰ (۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹) بود که با برگزاری اجلاس سران کشورهای اسلامی در سال ۱۳۷۶ در تهران آغاز شد. به‌طور طبیعی این مسئولیت جدید، با فعالیت‌های فراوان دولت در سطوح مختلف کارشناسی و مدیریتی از جمله مدیریت جلسات زیرمجموعه سازمان همراه بود. دولت ایران از همان آغاز تأسیس، به گروه کشورهای در حال توسعه موسوم به «دی - هشت» پیوست و بعد از مدتی با اعزام یک کارشناس به دبیرخانه کوچک این سازوکار منطقه‌ای در استانبول تلاش کرد تا از آن به‌عنوان یک الگو برای توسعه روابط بین کشورهای در حال توسعه یاد کند.

در دوره دوم، با پیگیری‌ها و حمایت‌های مجلس شورای اسلامی، اتحادیه بین‌المجالس اسلامی^۱ شکل گرفت و دبیرخانه آن در تهران استقرار یافت. همچنین مجمع مجالس آسیا و اقیانوسیه^۲ با حضور ایران پایه‌گذاری شد و بدین ترتیب مجلس به فعالیت‌های فراملی خود وسعت داد.

حساسیت اوپک باعث شد که در چارچوب سیاست خارجی کشور در رابطه با ترتیبات چندجانبه فراملی، فعالیت‌های دولت در اعزام نیروی انسانی به دبیرخانه و تقویت هیأت‌های اعزامی برای شرکت در نشست‌های این سازمان مهم، گسترش یابد. علاوه بر تأثیری که دولت ایران می‌توانست به‌عنوان یک تولیدکننده عمده نفت در روند تصمیم‌گیری اوپک بگذارد، تصمیمات اوپک در خصوص سهمیه تولید هریک از اعضا و سقف تولید کشورهای عضو نیز متقابلاً اثرات تعیین‌کننده و شایانی بر قیمت نفت و در نتیجه درآمدهای ارزی و بودجه سالانه کشور داشت. البته باید در نظر داشت که در این دوره شانزده‌ساله، با وجود بهبود نسبی روابط خارجی و معرفی نامزدهای متعدد، دولت ایران نتوانست نظر مثبت کلیه اعضای اوپک را برای احراز پست دبیرکلی سازمان جلب نماید. هم‌زمان، در اواخر این دوره، تلاش کشور برای راه‌اندازی سازوکاری شبیه به اوپک با شرکت کشورهای تولیدکننده و صادرکننده گاز آغاز شد.

1. Islamic Inter-Parliamentary Union

2. Asia-Pacific Parliamentary Forum

۳-۲-۲. دیگر ویژگی‌ها

در تشریح ویژگی‌های دیگر این دوره باید به افزایش تعداد و تقویت تشکل‌های مردم‌نهاد در داخل، به‌ویژه در زمینه‌های بشردوستانه، زیست‌محیطی و حقوق بشر اشاره کرد که نمایندگان برخی از آنها حضور مؤثرتر و قوی‌تری در مجامع بین‌المللی مربوط به حوزه فعالیت خود پیدا کردند. از جمله این گردهمایی‌ها، کنفرانس محیط زیست و توسعه ملل متحد، کنفرانس جهانی حقوق بشر^۱ و چهارمین کنفرانس جهانی در خصوص زنان^۲ بودند که به‌ترتیب در سال‌های ۱۹۹۲ (۱۳۷۱)، ۱۹۹۳ (۱۳۷۲) و ۱۹۹۵ (۱۳۷۴) در شهرهای ریودوژانیرو، وین و پکن برگزار شدند و تشکل‌های مردم‌نهاد فعال ایرانی در زمینه حقوق بشر در آنها حضور چشمگیری داشتند. تشکل‌های یادشده سعی کردند حمایت بین‌المللی را برای مقابله با فقر و سایر آسیب‌های اجتماعی، جلوگیری از تخریب محیط زیست، تقویت برنامه‌های مربوط به توانمندسازی زنان و کمک به گسترش فعالیت‌های ملی در زمینه توسعه پایدار جلب کرده و همگام با سایر سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی، روند تصمیم‌گیری در سطح بین‌المللی را تحت تأثیر نظرات خود قرار دهند.

با وجود گسترش نسبی و تقویت بخش خصوصی در داخل در قالب سیاست‌های کلان نظام و فعال‌شدن آن در روابط دوجانبه خارجی، این بخش حضور قابل توجهی در روند تصمیم‌گیری‌های مجامع جهانی در زمینه‌های مختلف نداشت و نتوانست از فرصت‌های موجود در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی برای تأثیرگذاری بر تصمیمات چندجانبه بهره‌برداری کافی نماید.

همچنین در این دوره شاهد توجه هرچند کم‌رنگ دست‌اندرکاران سیاست خارجی به اشتغال اتباع ایرانی در نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی بودیم؛ عاملی که سبب شد تعداد پست‌های اشغال‌شده توسط اتباع کشور تا حدودی افزایش یابد و به سطح متناسب با جمعیت و سهمیه‌های پرداختی کشور به آن سازمان‌ها نزدیک‌تر شود.

به‌طورکلی می‌توان گفت که در این دوره با عنایت به سیاست‌های اتخاذشده از سوی دولت‌های جمهوری اسلامی ایران پس از پایان دفاع مقدس تا سال ۱۳۸۳ مبتنی بر سازندگی و تنش‌زدایی، حضور فعال در سازمان‌های بین‌المللی و ترتیبات منطقه‌ای به یکی از اهداف اساسی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی تبدیل شد. ریاست بر سازمان کنفرانس اسلامی، حضور تشکل‌های مردم نهاد در این عرصه و همچنین فعالیت در زمینه‌های مختلف مانند بهداشت، مواد مخدر و اقتصاد، از جمله نمونه‌های این حضور فعال است. البته این سیاست‌ها و حضور در نهادهای فراملی تحت تأثیر برخی وقایع سیاسی همچون پرونده هسته‌ای نیز قرار گرفت.

۲-۳. دوره سوم (از سال ۱۳۸۴ تا به امروز)

آغاز این دوره نیز با روی کار آمدن دولت‌های نهم و دهم با تغییرات قابل توجهی در سیاست خارجی همراه بود. هرچند برخی اصول مانند توجه به استقلال و رعایت عزت، مصلحت و حکمت همچنان در دستور کار بود، مشروعیت، مقبولیت و کارایی برخی نهادها و مجامع منطقه‌ای و بین‌المللی همچون بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، به دلیل عملکرد و وابستگی آن به نظام سرمایه‌داری، دوباره به‌صورت گسترده‌تری زیر سؤال رفت. سازمان ملل متحد، به‌ویژه شورای امنیت بیش از پیش مورد انتقاد قرار گرفت و بر ضرورت تجدید ساختار آنان، اصلاح روش‌های تصمیم‌گیری و داشتن جهت‌گیری‌های عدالت‌خواهانه تأکید شد. نهادهای بین‌المللی موجود، سازوکارهایی غیرقابل اتکا و نامناسب برای رشد و توسعه کشورها معرفی شدند که نمی‌توان با استفاده از آنها به پیشرفت نایل شد. روابط دوجانبه با کشورهای غربی و نیز برخی کشورهای منطقه، به‌ویژه کشورهای جنوبی خلیج فارس به تدریج کاهش یافت و در مقابل، سطح روابط با کشورهای مخالف سیاست‌های امریکا، به‌ویژه در امریکای لاتین ارتقا پیدا کرد.

در این دوره، باوجود برخی محدودیت‌ها، حضور مقامات عالیرتبه کشور در نشست‌های نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی با هدف طرح قوی‌تر و روشن‌تر مواضع دولت در عرصه جهانی گسترش یافت و چهره و مواضع مقامات کشور بیش از پیش در رسانه‌های جمعی به اشکال گوناگون منعکس شد.

۱-۳-۲. ترتیبات جهانی

چنانچه اشاره شد، در این دوره حضور مقامات عالیرتبه کشور در نشست‌های نهادهای بین‌المللی افزایش یافت. به‌عنوان مثال، ایران از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۲ (۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱) در کلیه نشست‌های عادی سالانه مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در اجلاس جهانی سران ۲۰۰۵^۱ (۱۳۸۴) در نیویورک، کنفرانس جهانی مقابله با نژادپرستی^۲ موسوم به «کنفرانس بازننگری دوربان یا دوربان-۲»^۳ در سال ۲۰۰۹ (۱۳۸۸) در ژنو، پانزدهمین نشست طرف‌های کنوانسیون تغییر آب و هوا در سال ۲۰۰۹ (۱۳۸۸) در کپنهاگ، اجلاس جهانی امنیت غذا^۴ در سال ۲۰۰۹ (۱۳۸۸) در ژنوا، و چندین بار در اجلاس سران سازمان همکاری شانگ‌های^۵، و نیز کنفرانس توسعه پایدار ملل متحد در سطح ریاست‌جمهوری شرکت کرد و طی آنها با استفاده از تریبون مجامع جهانی، نظرات کشور در زمینه چالش‌های مبتلابه جهانی بیان شد و راهکارهایی پیشنهاد گردید. همچنین دولت جمهوری اسلامی ایران در این دوره زمانی به کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت^۶ و کنوانسیون توسعه منابع انسانی^۷ پیوست و پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق کودک درخصوص شرکت کودکان در مخاصمات مسلحانه^۸ را امضا کرد.

در این دوره زمانی، برای احراز برخی پست‌ها و عضویت‌ها نظیر کسب کرسی غیردائم شورای امنیت^۹ و پست‌های بین‌المللی مانند ریاست بر هیأت اجرایی برنامه عمران ملل متحد/صندوق جمعیت ملل متحد^{۱۰} در سال ۲۰۰۹ (۱۳۸۸)، ریاست هیأت اجرایی صندوق کودکان ملل متحد (یونیسف)^{۱۱} در سال ۲۰۰۵ (۱۳۸۴)، ریاست

1. 2005 World Summit
2. World Conference Against Racism(WCAR)
3. Durban Review Conference, so called Durban II
4. World Summit on Food Security
5. Shanghai Cooperation Organization
6. Optional Protocol to the Convention on the Rights of Persons with Disabilities
7. Human Resources Development Convention
8. Optional Protocol to the Convention on the Rights of the Child on the Involvement of Children in Armed Conflict
9. Non-permanent seat of the United Nations Security Council
10. E/2009/35, Report of the Executive Board of UNDP/UNFPA on its work during 2009
11. United Nations Children's Fund(UNICEF)

چهارمین نشست طرف‌های کنوانسیون استکهلم درخصوص آلاینده‌های آلی پایدار^۱ در سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۰ (۱۳۸۸ تا ۱۳۸۹)، سمت مدیر کل سازمان خواروبار و کشاورزی^۲ در سال ۲۰۱۱ (۱۳۹۰) ابراز علاقه شد که از میان آنها دومین، سومین و چهارمین مورد تحقق یافتند. رژیم تجاری شامل قوانین تجاری کشور، درچارچوب سیاست پیوستن دولت به سازمان جهانی تجارت، جمع‌آوری و سپس تحویل دبیرخانه سازمان گردید، اما به دلیل افزایش تنش در روابط با غرب، این روند کند دچار اختلالات بیشتری شد. در یک ارزیابی کلی، میزان مشارکت در مذاکرات کارشناسی، به‌ویژه در مسائل زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی بین‌المللی کاهش یافت ولی مشارکت در مباحث نهادهای سیاسی - امنیتی همچون گذشته با حساسیت ادامه یافت.

در دوره سوم، فشار سیاسی بین‌المللی از جمله با تشدید تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه، مصوبات متعدد شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای، و با آغاز وضع تحریم‌های چندجانبه توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد (۱۳) مرحله به مرحله افزایش یافت. روند اعطای وام‌های قابل توجه بانک جهانی به دولت ایران با وجود عدم منع قانونی، به دلایل سیاسی دچار مشکل شد تا کشور در انزوای سیاسی قرار گرفته و تحت فشار اقتصادی و ادار به تغییر برخی سیاست‌ها و اقدامات خود، از جمله در زمینه انرژی هسته‌ای شود. در این راستا همچنین، صدور سالانه قطعنامه درخصوص وضعیت حقوق بشر در ایران، در مجمع عمومی سازمان ملل متحد ادامه یافت که از محتوای انتقادی بیشتری برخوردار بود. علاوه بر آن، صدور قطعنامه‌های شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای در خصوص فعالیت‌های هسته‌ای ایران با تعداد و شدت بیشتری ادامه یافت. (۱۴) قطعنامه‌های یادشده و نیز مواضع اعلامی مسئولان مربوطه در دبیرخانه‌ها، دیدگاه دولت ج. ا. ایران نسبت به سازمان ملل متحد، به‌ویژه شورای امنیت، آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای و نیز بانیان مصوبات؛ یعنی کشورهای غربی عضو را منفی‌تر نمود.

البته فشارهای خارجی در این دوره به تحریم‌های اقتصادی محدود نشد و و

1. Stockholm Convention on Persistent Organic Pollutants
2. Food and Agriculture Organization (FAO)

به تدریج ابعاد تازه‌ای به خود گرفت. مخالفت آمریکا با عضویت و انتخاب نامزدهای معرفی شده از سوی دولت ج. ا. ایران برای عضویت در برخی سازمان‌های بین‌المللی نیز آغاز شد. چالش‌های پیش روی ایران در جریان انتخابات مربوط به ریاست هیأت اجرایی برنامه عمران ملل متحد/صندوق جمعیت ملل متحد و احراز سمت مدیر کل سازمان خواروبار و کشاورزی در این دوره، از آن جمله‌اند.

۲-۳-۲. ترتیبات منطقه‌ای

همزمان، مشارکت در نهادها و مجامع متعلق به کشورهای در حال توسعه و جنبش عدم تعهد با همان قوت و شدت قبلی ادامه یافت. حتی نقش ایران در برخی سازمان‌های منطقه‌ای همچون «اگو»، گروه هشت کشور در حال توسعه موسوم به «دی-۸» و گروه هجده کشور در حال توسعه موسوم به «گروه ۱۵»^۱ از جمله با میزبانی تعداد بیشتری از نشست‌ها، در سطوح مختلف کارشناسی و عالیرتبه افزایش یافت. دولت ایران از آغاز سال ۲۰۱۳ (دی ماه ۱۳۹۱)، پست دبیرکلی دی-۸ را با استفاده از اصل «چرخش» عهده دار شد. در رابطه با گروه ۱۵، شایان ذکر است که دولت ایران از ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۸ به مدت سه سال ریاست گروه را به عهده گرفت و سپس در سال ۲۰۱۰ (۱۳۸۹) با برگزاری اجلاس سران در تهران، این مسئولیت را به رئیس بعدی؛ یعنی دولت سریلاکا واگذار کرد. دولت ایران در این دوره برای عضویت در سازمان همکاری شانگهای^۲ که یک نهاد منطقه‌ای شرقی و ناسازگار با نفوذ غرب در آسیا تلقی می‌شود، ابراز تمایل کرد، اما برخی اعضای مهم سازمان یادشده به دلیل وجود پرونده ایران در شورای امنیت سازمان ملل متحد و صدور قطعنامه‌های تحریم، از موافقت با عضویت ایران خودداری کرده، به دادن وضعیت ناظر اکتفا نمودند.

در دوره سوم، ایران در عالی‌ترین سطح در اجلاس سران جنبش عدم تعهد^۳ در سال ۱۳۸۵ در هاوانا شرکت کرد. طی اجلاس سران جنبش غیرمتعهدها در سال ۲۰۰۹ (۱۳۸۸) در شرم‌الشیخ مصر، نامزدی دولت ایران برای ریاست بر جنبش،

1. G-15
2. Shanghai Cooperation Organization
3. Non-Aligned Movement Summit



با اجماع اعضا پذیرفته شد. با برگزاری اجلاس سران در اواخر اوت ۲۰۱۲ (اوایل شهریور ۱۳۹۱) در تهران، این مسئولیت مهم سیاسی از سوی ریاست جمهوری مصر برای یک دوره سه‌ساله، به‌طور رسمی به ریاست جمهوری اسلامی ایران واگذار شد. در پایان اجلاس هم‌بیانیه‌ای صادر گردید که براینده نظرات و مواضع اعضا در قبال مسائل سیاسی و اقتصادی مبتلابه منطقه‌ای و جهانی بود. شایان ذکر آنکه در راستای سیاست فعال‌سازی جنبش غیرمتعهدها در زمینه‌های اجتماعی، دولت ایران در سال ۲۰۰۷ (شهریورماه ۱۳۸۶) میزبان اجلاس ویژه وزرای امور خارجه جنبش غیرمتعهدها بود و پس از گرفتن تأیید شرکت‌کنندگان در بیانیه نهایی اجلاس، به تأسیس دبیرخانه «مرکز حقوق بشر و تنوع فرهنگی جنبش عدم تعهد»^۱ در تهران مبادرت کرد.

احراز این مسئولیت جدید بین‌المللی، بدین لحاظ اهمیت فوق‌العاده پیدا می‌کند که دولت ایران تحت تحریم‌های سیاسی و اقتصادی یک‌جانبه و چندجانبه قرار دارد و کسب موقعیتی چون ریاست بر جنبش و نمایندگی اکثریت دولت‌های در حال توسعه در مباحث و مذاکرات سیاسی مطروحه در برخی مجامع بین‌المللی بر وزن آن می‌افزاید. موضوع خاص پیشنهادی هدفدار ایران برای بحث و بررسی در اجلاس، «صلح پایدار در سایه مدیریت مشترک جهانی»^۲ بود که تلاش شد با طرح و بررسی موضوع در گردهمایی سران، راه‌های گسترش نقش کشورهای عضو جنبش در سازوکارهای بین‌المللی شناسایی شده، در طول ریاست سه‌ساله ایران بر جنبش، قدم‌هایی در این جهت برداشته شود.

در دوره سوم، ایران به تلاش خود برای احراز موقعیت برتر در اوپک ادامه داد. دولت در سال ۱۳۹۰ (۲۰۱۱) با استفاده از اصل «چرخش»، ریاست کنفرانس وزیران اوپک را برعهده گرفت، ولی همچنان در احراز پست دبیرکلی که به اجماع اعضا در مرحله تصمیم‌گیری نیاز داشت، ناموفق ماند. مجمع کشورهای صادرکننده گاز (جکف)^۳ با حمایت ایران شکل گرفت، درحالی‌که دولت ایران با وجود تمایلش

1. NAM Center for Human Rights and Cultural Diversity
2. Lasting Peace through Joint Global Governance
3. Gas Exporting Countries Forum(GECF)

به برخورداری از رتبه دوم ذخایر گاز دنیا، نتوانست به برخی امتیازات سیاسی در مجمع همچون ریاست دبیرخانه، میزبانی مقر دبیرخانه یا میزبانی نشست سران کشورهای عضو دست یابد.

۳-۲-۳. دیگر ویژگی‌ها

در بیان ویژگی‌های دیگر این دوره باید تصریح کرد که در آغاز، افول نسبی در نقش و حضور تشکل‌های مردم‌نهاد ایرانی در مجامع بین‌المللی وجود داشت، اما به تدریج حضور آنها، به‌ویژه در مجامع حقوق بشری افزایش یافت. همچنین وضعیت قبلی بخش خصوصی؛ یعنی عدم شرکت در روند تصمیم‌گیری در مجامع بین‌المللی بین‌دولتی با هدف اثرگذاری ادامه یافت. به عبارت دیگر، بخش خصوصی کشور همچنان درگیر مسائل حرفه‌ای خود در عرصه داخلی یا در محدوده روابط دوجانبه با دیگر کشورها بود و به آن درجه از رشد برای آغاز اثرگذاری بر تصمیمات بین‌المللی نرسید. مشارکت نمایندگان مجلس شورای اسلامی در گردهمایی‌های مجالس قانون‌گذاری منطقه‌ای و بین‌المللی شامل اتحادیه بین‌المجالس، مجمع مجالس آسیا و اقیانوسیه و اتحادیه بین‌المجالس اسلامی، متناسب با توانایی‌های نمایندگان همچون گذشته ادامه یافت. مشارکت بانوان در هیأت‌های اعزامی به خارج برای شرکت در نشست‌های گوناگون فراملی تا حدودی کاهش یافت. ایفای نقش در دبیرخانه‌های نهادهای بین‌المللی از طریق به‌کارگماردن اتباع کشور، ضعیف‌تر شد. بدیهی است که افزایش فشارهای سیاسی بین‌المللی و تلاش برای تخریب چهره و انزوای کشور در حضور کم‌رنگ‌تر ایران در دبیرخانه‌های نهادهای فراملی اثرگذار بوده است.

بدین ترتیب، سیاست جمهوری اسلامی ایران در رابطه با سازمان‌های بین‌المللی و ترتیبات منطقه‌ای از ۱۳۸۴ تا به امروز متأثر از عواملی از جمله رویکرد منفی و عملکرد این نهادها در مسائلی همچون پرونده هسته‌ای و در همان حال برخی انتقادات وارده از سوی ایران به ساختارهای این نهادها، به‌ویژه شورای امنیت ملل متحد می‌باشد. البته حضور در مجامع، نشست‌ها و فرایندهای بین‌المللی در راستای هدف کلان اثرگذاری بر مسائل جهانی و مشارکت در حکمرانی جهانی با

ارائه گفتمانی متفاوت به یکی از فعالیتهای معمول دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شد.

۳. سایر عوامل مؤثر

در بررسی ویژگی‌های سه دوره گذشته به متغیرهایی اشاره شد. اما این بدان معنا نیست که تمامی عوامل مؤثر در مشارکت جمهوری اسلامی ایران در نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی در دست دولت‌های وقت بوده یا به‌طور دائم در حال تغییر بوده‌اند. در این سه دوره، ایران به‌دلیل موقعیت جغرافیایی و وضعیت بحرانی همسایگان دچار چالش‌های مهم و خاصی بوده که نقش کشور در رابطه با نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی و واکنش آنها را تحت تأثیر قرار داده است.

ورود پناهندگان افغانی و عراقی به کشور، همسایگی با افغانستان به‌عنوان تولیدکننده اصلی و بدون کنترل مواد مخدر در منطقه و در نتیجه قاچاق مقادیر قابل توجهی از مواد به ایران یا از طریق ایران به مقاصد دیگر، و نیز در معرض بلایای طبیعی بودن کشور؛ به‌ویژه زلزله و سیلاب، ایران را همواره در وضعیت تعامل فوق‌العاده با سه نهاد مهم بین‌المللی شامل کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد، دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد^۱ و دفتر هماهنگ‌کننده امور بشردوستانه ملل متحد^۲ قرار داده است.

علاوه بر آن، ایران در طبقه‌بندی کشورهای در حال توسعه قرار دارد و در نتیجه به کمک‌های مالی و سرمایه‌گذاری خارجی، انتقال انواع فناوری‌ها، ظرفیت‌سازی و آموزش برای توسعه منابع انسانی خود و نیز تبادل اطلاعات و تجربیات برای مقابله با چالش‌های توسعه‌ای نیاز دارد. مشکلات زیست‌محیطی کشور و ضرورت برخورداری از همکاری‌های بین‌المللی برای تحقق توسعه پایدار نیز بر همگان آشکار می‌باشد. برخی سازوکارهای بین‌المللی مانند بانک جهانی، تشکیلات جهانی محیط زیست^۳، برنامه عمران ملل متحد^۴ و صندوق تازه تأسیس سبز^۵ وجود دارند

1. United Nations Office on Drugs and Crime (UNODC)
2. United Nations Office for the Coordination of Humanitarian Affairs(UNOCHA)
3. Global Environment Facility(GEF)
4. United Nations Development Program
5. Green Climate Fund

که با برخورداری از امکانات فنی-آموزشی و منابع مالی قابل توجه می‌توانند چاره‌ساز باشند و با توجه به برنامه‌های اولویت‌دار ملی، نقش مکمل و تسهیل‌کننده را ایفا نمایند. هم‌زمان برخورداری از منابع فراوان انرژی نظیر نفت، گاز، باد و انرژی خورشید کشور را در موقعیت ژئوپلیتیک ویژه‌ای قرار داده که توسعه و به‌کارگیری آنها باید در روابط دوجانبه و چندجانبه، به‌ویژه ترتیبات منطقه‌ای و بین‌المللی مربوط به انرژی مد نظر قرار گرفته و به‌صورتی قوی‌تر و منسجم و در چارچوب دیپلماسی انرژی در جهت افزایش منافع ملی پیگیری شوند.

چالش‌های مذکور به احتمال زیاد در میان‌مدت ادامه دارند و نباید از توجه ویژه به آنها و ضرورت داشتن راهبردها و اقدامات لازم در داخل و همکاری بین‌المللی در قبال موضوعات یادشده، غافل شد. بدیهی است میزان و نوع همکاری با نهادهای فراملی یادشده و کشورهای فعال و تصمیم‌گیر در آنها از یک‌سو و میزان همکاری و کمک‌های متقابل آنان از سوی دیگر، در میزان موفقیت دولت در مقابله با چالش‌های مذکور، مؤثر خواهد بود.

میزان آشنایی مأموران اعزامی و شرکت‌کننده در مجامع فراملی با اصول، مبانی ارزشی، مصالح عالی نظام، آگاهی از منافع ملی و در نتیجه موضع ملی از دیگر عوامل مهم اثرگذار می‌باشد. همچنین، آشنایی اعضای هیأت‌های اعزامی با موضوعات تخصصی مندرج در دستورکار گردهمایی‌ها و سابقه آنها، آگاهی از محدوده اختیارات محوله و داشتن قدرت تحلیل درخصوص چرایی طرح موضوع و نیز علل موضعگیری‌های سایر دولت‌ها از ضروریات می‌باشد. تسلط به یکی از زبان‌های خارجی رایج در مجامع جهانی به‌ویژه زبان انگلیسی، ابزار انتقال نظرات و اعلام مواضع ملی در قبال موضوعات در دستور کار این‌گونه گردهمایی‌ها است. علاوه بر آن، مذاکرات در جریان تصمیم‌گیری‌ها به زبان یا زبان‌های رسمی آن نهاد فراملی صورت می‌گیرد و نتایج و تصمیمات مورد نظر شرکت‌کنندگان نیز به همان زبان‌ها انتشار می‌یابند. بدیهی است میزان آشنایی اعضای هیأت‌های شرکت‌کننده یا مأموران شاغل در نمایندگی‌های خارج کشور، رابطه مستقیمی با میزان کارایی و تاثیر هیأت‌ها بر تصمیمات نهادهای فراملی دارد و از این‌رو به‌هنگام تعیین ترکیب هیأت‌ها، احراز این ویژگی، شایسته بذل توجه بیشتری است. خلاصه آنکه، از لوازم

نیل به موفقیت در مجامع و نهادهای فراملی، استفاده مطلوب از نیروهای کارشناسی توانمند، باتجربه و آگاه به تحولات بین‌المللی و وضعیت سازوکارهای فراملی است. برخی عوامل هم وجود داشته که در تمامی دوره‌ها به صورت تقریباً ثابت در میزان مشارکت‌ها تأثیر داشته‌اند. در این میان می‌توان به دیوانسالاری موجود در جریان معرفی، بررسی و تصمیم‌گیری برای اعزام به مأموریت خارج کشور افراد اشاره کرد که با وجود نکات مثبت آن از جمله جلوگیری از مأموریت افراد بدون توجیه کافی، بعضاً به موقع یا دقیق عمل نمی‌کند.

ویژگی‌های اخلاقی - فرهنگی و رفتاری مأموران و مسئولان نهادها همواره در نوع و میزان همکاری بین آنها مؤثر بوده است. چه بسا عدم برخورداری برخی مسئولین از فرهنگ همکاری در حد مورد نیاز و بی‌توجهی آنان به ضرورت هماهنگی و کار دسته‌جمعی، موجبات بروز ضعف و ناکارایی دولت در مواجهه با نهادها و مجامع فراملی را فراهم آورده باشد. نوع نگرش مدیران و کارکنان دولتی نسبت به تحولات در منطقه و جهان و نیز نقش نهادها و مجامع بین‌المللی، میزان هماهنگی بین نهادهای مختلف داخلی درگیر و نیز توان دولت در تأمین مالی هزینه‌های مأموریت‌ها در برهه‌های مختلف که در نوسان بوده است، از دیگر عوامل مؤثر در نقش ایران در نهادهای بین‌المللی بوده‌اند.

قدیمی بودن و عدم تطابق برخی ساختارهای اداری داخلی با ساختارهای موجود و تقسیم وظایف در نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی از دیگر مشکلات کشور در تعامل با مجامع و نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی هستند. به عنوان مثال، در حال حاضر پدیده گرمایش زمین و تغییر آب‌وهوا و همچنین مخاطرات مربوط به محیط زیست، از جمله حفظ تنوع زیستی از چالش‌های عمده و فزاینده حال و آینده در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی هستند که مقابله با آنها نیاز به وجود سازوکار داخلی قوی در داخل از یکسو و همکاری با نهادهای خارجی از سوی دیگر دارد.

نتیجه‌گیری

با توضیح برخی شاخص‌های مهم و چگونگی نقش ج.ا. ایران در مجامع و سازمان‌های بین‌المللی طی سه دوره زمانی، مشخص شد که فعالیت‌های



صورت گرفته، متأثر از عوامل مختلفی بوده‌اند. از جمله این عوامل، شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور، چگونگی مواضع اکثریت دولت‌های خارجی در قبال ایران و به‌طور کلی وجهه سیاسی کشور در دنیای خارج، میزان همکاری کارکنان دولتی و نهادها با یکدیگر، دیدگاه و نوع نگرش مدیران به همکاریها در سطح منطقه و جهان و نیز تعاریف و برداشت‌ها از منافع ملی و ارزش‌ها بوده‌اند. این عناصر بر عملکردها و روابط با دنیای خارج به‌طور کلی، و سازمان‌های بین‌المللی به‌طور خاص مؤثر بوده‌اند. گاه حرکت‌های تبلیغاتی و اعلام مواضع در مجامع رسمی و مطبوعاتی به اوج رسیده‌اند و گاه فعالیت‌ها در سطح کارشناسی و مذاکراتی گسترش یافته‌اند.

نگاهی به سیر تحولات در نقش ج. ا. ایران در نهادهای بین‌المللی طی سه دوره زمانی تحت بررسی، نشان‌دهنده آن است که در دوره اول، به‌دلیل دیدگاه‌های خاص مدیران و اشتغالات داخلی و مرزی، امکان و تمایل چندانی به ایفای نقش مؤثر در ترتیبات فراملی وجود نداشته است. در دور دوم تمایلات بیشتر شد و همزمان برخی محدودیت‌ها و مقاومت‌ها در سطح بین‌المللی ادامه یافت. با این وجود، صرف تمایل داخلی به ایفای نقش در خارج، باعث کسب موفقیت‌هایی در عرصه‌های منطقه‌ای و جهانی شد. در دور سوم، ابراز تمایل گذشته برای ایفای نقش با شعار مشارکت در مدیریت جهانی همراه با ابراز انتقادات شدیدتر و اتخاذ مواضع تندتر ادامه یافت. اما در این دوره، فشار و محدودیت‌ها با تشدید تحریم‌های اقتصادی و سیاسی یک‌جانبه و سپس چندجانبه بین‌المللی افزایش یافت و در نتیجه دولت، بیشتر بر ایفای نقش در ترتیبات منطقه‌ای متمرکز شد. علاوه بر آن، مشاهده می‌شود که نقش‌های ایفاشده در سه دوره زمانی، اغلب در بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی بوده‌اند. به‌عبارت دیگر، در سه دوره تحت بررسی، موانع بیشتری بر سر راه ایران برای ایفای نقش مؤثر در زمینه‌های سیاسی - امنیتی وجود داشته است.

به‌دلیل داشتن موضعی خاص، کشور عموماً دچار چالش‌هایی در قبال مسائلی مانند وضعیت خاورمیانه، تعریف نهضت‌های آزادیبخش، خلع سلاح، امور هسته‌ای و حقوق بشر در مجامع جهانی بوده است. به‌عنوان مثال در سه دوره یادشده، به‌طور

متناوب قطعنامه‌های متعددی تحت عنوان «وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران» در کمیسیون حقوق بشر، شورای حقوق بشر (به‌عنوان جایگزین کمیسیون) و مجمع عمومی سازمان ملل متحد علیه کشور صادر شده که به نقد وضعیت حقوق بشر در ایران پرداخته‌اند و حتی خواهان اعمال سازوکارهای نظارتی شده‌اند که به‌طور کلی واکنش منفی و انتقادآمیز دولت ایران از مجامع حقوق بشری و البته در مواردی همکاری را به‌همراه داشته‌اند. همزمان، در برخی موارد دیگر همچون مسایل زیست‌محیطی، اقتصادی و تا حدودی اجتماعی با بسیاری از کشورهای در حال توسعه و حتی فراتر از آن هم‌موضع و همراه بوده است. به‌دلیل اولویت‌بندی موضوعات، میزان حساسیت و مشارکت کشورمان در مجامع سیاسی و فرهنگی بین‌المللی گسترده‌تر و سازمان‌یافته‌تر، و در مجامع زیست‌محیطی، اقتصادی و تجاری به‌طور کلی ضعیف‌تر بوده است؛ هرچند به‌لحاظ کارشناسی توانایی‌های لازم در کشور وجود داشته است.

دخالت مؤثر در چگونگی شکل‌گیری سازوکارهای فراملی، نفوذ در مدیریت و بدنه آنها و سپس اثرگذاری بر روند تصمیم‌گیری با نظارت و حضور مستمر و قوی در جلسات، از روش‌های اعلام‌نشده دولت‌ها برای منطبق کردن تصمیمات آن سازوکارها با منافع ملی است (Ney, 2011; Archer, 2001). نمونه آن ریاست دولت ج. ا. ایران بر سازمان کنفرانس اسلامی (سازمان همکاری اسلامی فعلی) و جنبش عدم تعهد طی دو دوره زمانی است که فرصت‌های مغتنمی در این راستا بوده و هست.

البته در رابطه با اعلام نامزدی برای عضویت در هیأت‌های رئیسه جلسات در بین دولت‌ها، روش‌های متفاوتی وجود دارد. با عنایت به این نکته که رئیس جلسه باید در مذاکرات بی‌طرف باشد و حداکثر تلاش خود را برای به‌نتیجه رسیدن مباحث به‌کار بندد، به‌عهد گرفتن مدیریت جلسات به‌طور طبیعی موجب افزایش وزن و بهبود وجهه یک کشور از یک‌سو و از سوی دیگر باعث بروز محدودیت‌هایی در ابراز نظرات، به‌ویژه نظرات چالش‌برانگیز و گنجاندن مواضع آن کشور در اسناد (مذاکره‌ای) نهایی می‌شود. از این‌رو برخی دولت‌ها، همچون امریکا، انگلیس، روسیه و چین معمولاً از اعلام نامزدی برای عضویت در هیأت رئیسه‌های

مجموع بین‌المللی پرهیز می‌کنند. اتخاذ هر یک از این دو روش، همراه با استدلالات خاص خود هستند و هیچ‌کدام قابل نكوهش یا تمجید نیستند. در واقع، مواضع و جایگاه سیاسی دولت‌ها است که در انتخاب یکی از دو روش تعیین‌کننده است. بدیهی است برای احراز مناصب در دبیرخانه‌ها، به‌ویژه در رده‌های مدیریتی، یا عضویت در سازوکارهای تصمیم‌گیر مهم بین‌دولتی مانند شورای امنیت سازمان ملل متحد، شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد، و شورای حقوق بشر رقابت‌های سختی بین دولت‌ها در جریان می‌باشد و از ماجراهایی متفاوت برخوردارند.

البته در روابط بین‌الملل و به‌عنوان یک اصل، گسترش ارتباطات و گفتگوها بین عناصر سیاسی دست‌اندرکار مدیریت کشورها از طریق دوجانبه و چندجانبه با یکدیگر مثبت تلقی می‌شود، اما نباید هر سازوکاری و عضویت در آن را نیز مثبت فرض کرد و بر روی آن سرمایه‌گذاری کرد. چه‌بسا معایب و مضار عضویت در برخی سازوکارها نسبت به مزایای آنها برای یک کشور بیشتر باشند. در این رابطه، تک‌تک سازوکارها باید جداگانه بررسی گشته مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند. باید توجه داشت که نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی، سازوکارهایی مستقل و جدا از دولت‌ها یا نهادی برتر از دولت‌ها نیستند که در حوزه وظایف خود به تصمیم‌گیری و اقدام پردازند. کلیه کارکنان دبیرخانه‌ها از جمله مدیران آنها، مانند دبیرکل سازمان ملل متحد، فاقد اختیار و قدرت تصمیم‌گیری فراتر از امور دبیرخانه‌ای هستند. آنها حقوق‌بگیر دولت‌های عضو نهاد فراملی استخدام‌کننده خود هستند. کارکنان دبیرخانه‌ها باید در جریان انجام وظایف محوله، تابع اصل بی‌طرفی و رعایت‌کننده مفاد اساسنامه سازمان خود باشند و از طرح و پیگیری منافع ملی کشورهای متبوع خود پرهیز کنند. وظیفه دبیرخانه‌ها، ارائه تسهیلات و خدمات به ارگان‌های تصمیم‌گیر بین‌دولتی در نهاد تابعه خود، به‌منظور اجرای هرچه بهتر تصمیمات مشترک دولت‌های عضو بوده و باید در قبال مسئولیت‌های محوله به دولت‌های عضو پاسخگو باشند. مواضعی که بعضاً از سوی یک مسئول نهاد فراملی اعلام می‌شود، برابندی از مواضع مجموعه دولت‌های عضو، به‌ویژه دولت‌های بانفوذ است و مواضع شخصی وی را شامل نمی‌شود. بدیهی است در صورت اتخاذ

مواضع فردی یا جانبداری از دولت‌های خاص، اشتغال به کار وی در دبیرخانه با اعتراض دولت‌ها مواجه و به محرومیت از ادامه فعالیت در آن نهاد، منجر خواهد شد.

رابطه یک دولت با ترتیبات منطقه‌ای و بین‌المللی، رابطه‌ای یک‌سویه یا دوسویه نیست که با توجه به آن، کلیه مسائل بین دو کنشگر را بتوان در عرصه بین‌المللی تحلیل یا رتق وفتق نمود. این رابطه به شکل یک مثلث است که در یک گوشه آن دولتی فرضی، در گوشه دوم دولت‌های دیگر و در گوشه سوم ترتیبات منطقه‌ای و بین‌المللی قرار دارند که هر سه به‌طور دائم در حال کنش و واکنش و به‌عبارت دیگر در تعامل هستند. (۱۵) هر دولت فرضی برای تأمین منافع ملی و پیشبرد اهدافش در مجامع و نهادهای بین‌المللی، باید روابطی معقول و همکاری متقابل با سایر دولت‌ها داشته باشد. این نوع رابطه، به‌همراه مشارکت فعالانه و متناسب با منافع ملی در شکل‌گیری و توسعه نهادهای فراملی می‌تواند بازده کلی ارزشمندی دربرداشته باشد و سهم آن دولت را از منافع حاصله از مشارکت دسته‌جمعی، بالاتر ببرد. لازمه این برخورد، داشتن شناخت و تعریفی دقیق از ارزش‌ها و منافع ملی کشور، برخورداری از دیدگاهی صحیح در مورد چالش‌های موجود و آینده کشور به‌طور خاص و جهان به‌طور عام، آگاهی از چگونگی روابط بین‌المللی و قواعد بازی، شناخت نهادهای شکل‌گرفته یا در حال شکل‌گیری فراملی، آشنایی با عوامل پشت صحنه مؤثر بر سیاست خارجی سایر دولت‌ها از جمله منافع ملی و راهبردهای آنها و نیز استفاده از همراهی بازیگران غیردولتی مؤثر در مجامع فراملی می‌باشد.

علاوه بر آن، مدیران نهادهای داخلی نیز باید به‌نحو عالی به انجام وظیفه خود در محدوده‌های تعیین‌شده قانونی قانع باشند تا روح همکاری و مساعدت بین مدیران در داخل هر یک از نهادها و بین مدیران نهادهای مختلف داخلی برای تحقق منافع ملی قوی شود. همچنین باید اذعان کرد که، زمانی می‌توان در مجامع و سازمان‌های بین‌المللی به ایفای نقش مؤثر و مطلوب پرداخت و انتظار بازده مطلوب داشت که فضای سیاسی بین‌المللی نسبت به کشور نیز مساعد باشد. امروزه، افکار عمومی جهان و دیدگاه‌های مردم، نقش قابل توجهی در سیاست‌ها و عملکرد

دولت‌هایشان دارد. از این‌رو، دیپلماسی عمومی و تماس با مردم داخل و خارج برای تشریح سیاست‌ها و رفع شبهات و سوءبرداشت‌ها در عرصه بین‌المللی از اهمیت ویژه و انکارناپذیری برخوردار شده‌اند.

یکی دیگر از ابزارهای مهم در پیشبرد منافع ملی و ارزش‌ها در مجامع بین‌المللی، برخورداری از امتیاز کشورهای دوست و متحد با تبدیل وضعیت «تک‌صدایی» به «چندصدایی» است. بدین ترتیب که بعد از شناسایی دولت‌های با منافع همسو ملی و ارزش‌های مشترک، سازوکارهای مورد نیاز برای هماهنگی‌های اولیه به‌وجود آمده و جلساتی برای تبادل نظر و هماهنگ کردن نظرات و مواضع برگزار گردند. آنگاه در مجامع منطقه‌ای و بین‌المللی یک نماینده از سوی چند دولت به اعلام مواضع و مباحثه پردازد. این اقدام به‌عنوان یک اصل، صدای کشور را در مجامع فراملی رساتر و مواضع کشور را در تصمیمات مؤثرتر می‌کند. البته روشن است که همانند هر حرکت دسته‌جمعی دیگر، پیش‌نیاز اتخاذ چنین روشی، نشان دادن انعطاف‌هایی در عرصه سیاست خارجی با هدف پیشبرد هرچه بیشتر منافع مشترک بین دولت‌های عضو یک سازوکار است. جنبش غیرمتعهدها، گروه ۷۷، گروه پانزده و اکو نمونه‌هایی از این سازوکارها هستند که جمهوری اسلامی ایران عضو آنها است و در مورد مفید بودن آنها تردیدی وجود ندارد، اما به‌عنوان یک ابزار، از انسجام و استحکام و وحدت لازم برای پیشبرد سریع‌تر اهداف مورد نظر کشور برخوردار نیستند و ابتکارات جدیدی در این زمینه مورد نیاز است.

ضرورت بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت‌ها و فرصت‌ها ازجمله فرصت حضور و ایفای نقش در مجامع و سازمان‌های بین‌المللی برای سرافرازی و آبادانی کشور، حفظ ارزش‌ها و دفاع از منافع ملی، و نیز برقراری عدالت، ثبات و امنیت در جهان بر طبق سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور بر همگان آشکار است. بدیهی است تجربیات به‌دست آمده از سی و چهار سال حضور فعال، درس‌های ارزشمندی به کارکنان و مدیران دولتی، جامعه دانشگاهی و تشکل‌های مردم‌نهاد داخلی داده که استفاده صحیح از آنها می‌تواند برای ترسیم راه و اصلاح نقش‌ها در آینده مؤثر باشد. جایگاه برجسته ژئوپلیتیک ایران در منطقه و جهان، داشتن مردمی عموماً با سواد و تحصیل‌کرده، وجود استعدادهای درخشان، منابع غنی و متنوع طبیعی، برخورداری

از تمدن دیرینه و هویت ایرانی - اسلامی قوی و ریشه‌دار و ... همه و همه سرمایه‌ها و امکانات این کشور محسوب می‌شوند که اراده ملی، مدیریت خوب و استفاده بهینه از آنها می‌تواند نقش کشور را در نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی به‌نحو چشمگیری مؤثرتر نمایند.



یادداشت‌ها

1. United Nations Conference on Sustainable Development (UNCSD), so called Rio+20.

۲. البته در آغاز این دوره و بلافاصله بعد از انقلاب، دولت موقت انتقالی بر سر کار بود و سعی کرد ضمن راه‌اندازی دستگاه فروپاشیده اداری، زمینه‌های شکل‌گیری نظام جدید را فراهم آورده و سیاست خارجی جدیدی مبتنی بر اهداف انقلاب اسلامی ترسیم کند. مواضع دولت موقت تا حدودی در راستای تعاریف به‌عمل آمده از دوره اول در این مقاله نبود. اما به دلیل اینکه آن دولت عمر کوتاهی داشت و در یک دوره گذرا فعالیت می‌کرد، از ذکر و تشریح آن به‌عنوان یک دروه مجزا اجتناب شده است.

۳. البته جداکردن ترتیبات منطقه‌ای و جهانی فراگیر، کار مشکلی است؛ چراکه مرز مشخص و تعریف‌شده‌ای بین آنها وجود ندارد. در اینجا برای ساده‌تر شدن تحلیل‌ها و بررسی‌ها و بر اساس سیاست‌های اعلامی و عملکردها، اقدام به جداسازی شده، ترتیبات فراگیر جهانشمول و ترتیبات متشکل از یک یا چند منطقه جغرافیایی به‌طور جداگانه مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۴. منشور ملل متحد، فصل پنجم تحت عنوان شورای امنیت، ماده ۲۴، بند اول
۵. در طی سال‌های جنگ عراق با ایران در مجموع ده قطعه‌نامه، شامل قطعه‌نامه‌های شماره ۴۷۹، ۵۱۴، ۵۲۲، ۵۴۰، ۵۸۲، ۵۸۸، ۵۹۸، ۶۱۲، ۶۱۹ و ۶۲۰ توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد، به‌ترتیب در سال‌های ۱۳۵۹، ۱۳۶۱، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۵، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۷ و ۱۳۶۷ تصویب شدند.

۶. البته تعاملات ایران با سازمان‌های منطقه‌ای، محدود به حضور نمایندگان کشور در نشست‌ها نمی‌شد و برخی از این نهادها همچون سازمان کنفرانس اسلامی، در طول جنگ عراق با ایران تلاش کردند با اعزام نمایندگان ویژه و انجام ملاقات‌هایی در حاشیه جلسات منطقه‌ای، راهی برای آتش‌بس و خاتمه جنگ بیابند؛ هرچند که راه‌حل‌های آنان با شرایط اعلام‌شده ایران منطبق نبود و به‌جایی نرسید.

۷. در سال ۱۳۴۳ نهادی تحت عنوان «همکاری منطقه‌ای برای توسعه» موسوم به آر.سی.دی (RCD) توسط دولت‌های ایران، ترکیه و پاکستان پایه‌گذاری شد که با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، منحل گردید. اکو، درحقیقت بر پایه‌های فروریخته

نهاد یادشده قرار گرفت.

۸. اشاره به این نمونه‌ها به این مفهوم نیست که این گونه تعهدات و عضویت‌ها در دوره‌های زمانی دیگر ممکن نبود و اگر در زمان دیگری مطرح می‌شد، لزوماً سایر دولت‌ها نسبت به آن بی تفاوت یا مخالف بودند. سایر دولت‌ها نیز تا حدودی تعهدات منطقه‌ای و بین‌المللی را پذیرفتند، اما درخواست عضویت‌ها و پذیرش تعهدات خارجی در دوره دوم پررنگ‌تر بودند و همراه با مشارکت بیشتر در روندهای تصمیم‌گیری در سطوح منطقه‌ای و جهان با سرعت بیشتری انجام می‌شدند.

۹. برای اطلاعات بیشتر به تارنمای سازمان جهانی تجارت بخش «ناظرها» مراجعه کنید.
۱۰. برای کسب اطلاعات بیشتر، به تارنمای مجمع عمومی سازمان ملل متحد، قسمت گفتگوی تمدن‌ها، مراجعه کنید.

۱۱. شورای جهانی غذا در دوره ریاست وزیر کشاورزی وقت ایران، به دلیل پرهیز از موازی‌کاری با دو نهاد بین‌المللی دیگر فعال در زمینه غذا به نام‌های سازمان خواروبار و کشاورزی و نیز برنامه جهانی غذا منحل شد.

۱۲. البته متناسب با تحولات داخلی در کشور و میزان همکاری دولت با کمیسیون حقوق بشر، لحن قطعنامه‌های صادره توسط کمیسیون از شدت یا ملایمت برخوردار می‌شد.

13. UN Documents: SC/Res/1696 and SC/Res/1737 in 2006, SC/Res/1747 in 2007, SC/Res/1803 and SC/Res/1835 in 2008, SC/Res/1929 in 2010, SC/Res/1984 in 2011 and SC/Res/2049 in 2012.

۱۴. از سال ۲۰۰۳ (۱۳۸۲) تا آخر تابستان ۲۰۱۲ (۱۳۹۱)، دبیرخانه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مبادرت به انتشار ۳۸ گزارش درخصوص فعالیت‌های هسته‌ای ایران کرد. همچنین شورای حکام آژانس در مدت مشابه ۱۲ قطعنامه تحت عنوان «اجرای موافقتنامه پادمان معاهده عدم اشاعه در جمهوری اسلامی ایران» صادر کرد.

۱۵. این فرض باعث این تلقی نشود که هر سه زاویه مثلث دارای جایگاه، وزن یا اهمیت مساوی هستند. مثال مثلث در بحث، تنها به منظور ترسیم روابط سه‌جانبه و ضرورت استفاده از آن برای نیل به موفقیت است.

منابع

الف - فارسی

- امین منصور، جواد (۱۳۹۰)، مدیریت موافقتنامه‌های زیست‌محیطی بین‌المللی: سیر تحولات در رژیم‌های پایبندی و اجرا، تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی.
- مصفا، نسرين (۱۳۹۰) سازمان ملل متحد و حصول همکاری‌های اجتماعی - فرهنگی بین‌المللی، تهران: میزان.
- مصفا، نسرين (۱۳۹۱) سیمای مجمع عمومی پنجم؛ مجموعه مقالات نقش مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل، تهران: انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد.
- مصفا، نسرين مسعود طارم سری، عبدالرحمان عالم و بهرام مستقیم؛ زیر نظر جمشید ممتاز (۱۳۶۷)، تجاوز عراق به ایران و موضعگیری سازمان ملل متحد، تهران: دانشگاه تهران.

ب - انگلیسی

- Angell, R (1965), "An Analysis of Trends in International Organization", **Peace Research Society International Paper**, No.3.
- Barner, Michael & Martha Finnemore (1999), "The Politics, Power and Pathologies of International Organizations", **International Organizations**, Vol. 53, No. 4.
- Clive, Archer (2001), **International Organizations**, 3rd edition, London: Routledge.
- Food and Agriculture Organization for a world with out Hunger, website: <http://www.fao.org/indexen.htm>.
- Global Environment Facility, website: <http://www.thegef.org>.
- Group of 77, website: <http://www.g77.org>.
- International Atomic Energy Agency, website: <http://www.iaea.org>.
- Karns, Margaret P & Karen A. Mingst (2010), **International Organizations: The**

- Politics and Processes of Global Governance, London: Lynne Rienner Publishers.
- Keohane, Robert (1984), *After Hegemony: Cooperation and Discord in World Political Economy*, Princeton: Princeton University.
- Nye, Joseph S (2011), *Future of Power* (Ebook), Philadelphia: Public Affairs.
- Reinalda, Bob (2009), *Routledge History of International Organizations: From 1815 to the Present Day*, London: Routledge.
- Rittberger, Volker & Bernhard Zangl (2006), *International Organizations: Polity, Politics and Policies*, Palgrave Macmillan in the UK/St. Martin's Press LLC in the US.
- Shanghai Cooperation Organization, website: <http://www.sectsco.org>.
- Slaughter, Anne-Marie (2004), *A World New Order*, Princeton: Princeton University Press.
- The 2005 World Summit (23 Feb 2013), The 2005 World Summit High-Level Plenary Meeting of the 60th Session of the General Assembly. UN, nd available at: <https://www.un.org/summit2005>.
- United Nations Children's Fund, website: <http://www.unicef.org>.
- United Nations Division for Sustainable Development, website: http://www.un.org/esa/dsd/csd/csd_aboutcsd.shtml.
- United Nations Development Program, website: <http://www.undp.org>.
- United Nations General Assembly (2001), *Year of Dialogue among Civilizations*, available at: <http://www.un.org/documents/dialogue.htm>.
- United Nations High Commissioner for Refugees, available at: <http://www.unhcr.org/cgi-bin/texis/vtx/home>.
- United Nations Office for the Coordination of Humanitarian Affairs, website: <http://www.unocha.org>.
- United Nations Office on Drugs and Crime, website: <http://www.unodc.org>.
- Weiss, Thomas G. & Sam Daws (2008), *The Oxford Handbook on the United Nations*, Oxford: Oxford University Press.
- World Conference against Racism, website: <http://www.un.org/WCAR>.
- World Summit on Food Security, website: <http://www.fao.org/wsfs/world-summit>.
- World Trade Organization, website: <http://www.wto.org>.